

رهگانی

ویژه مبارزات توده‌ای

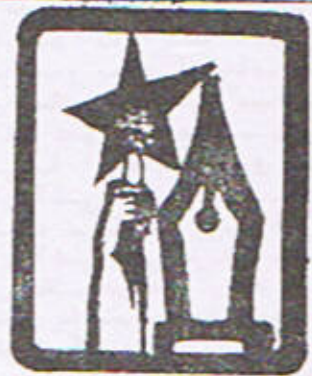


سال سوم ، شماره ۱۰۳
پنجشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۰
پها ۱۰ دیار

دیوار در صفحه مندرج می‌شود

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

دولت آیت الله کنی «کابینه آشتی اسلامی»؟



در هر گوشه دنیا هر انسانی که ذره‌ای شعور داشته باشد، با شنیدن این خبرجات، بدون تأمل خواهد گفت که گوینده‌ی این عبارات را باید هر چه زودتر به دارالممانین معرفی کرد و طی روزنامه‌های جبهه خوار و مرزوم رژیم جمهوری اسلامی، این هدایای گواهی‌ها را با درشت‌ترین حروف ممکن، بر بالای صفحات خود قرار می‌دهند و صدا و سیما ی کره رژیم بدفعات آنها پخش می‌کند و نوکران خفیه رژیم آنها بعنوان کمکات فشار حکماتنه تشغوار می‌کنند.

ما در اینجا قصد بررسی این هدایان گواهی‌ها را نداریم چرا که ذره‌ای ارزش بررسی برای آنها قابل نیستیم. بحث ما در اینجا در مورد بقیه در صفحه ۲

در ۱۶ شهریور ۶۰ آیت اله مهدوی کسی با کابینه ۱۷ شهریور ۵۷ خود نزد آیت اله خمینی رفت. خمینی در این جلسه، نطقی مثل همیشه بی سرو ته ایراد کرد که در زیر چند عبارت آن نقل می‌شود:

این انفجارات الان در همه دنیا هست. چهارتا پیش هم اینجا باشد. ما وقتی قایمیه کنیم سلطت خودمان را بر همه سالک که در عالم هست، با ثبات سر از سلطت ما کدام سلطت هست. کجاست که وقتی یک نعمت وزیر تویر بشود، به سرور اینکه شد، یک نخست وزیر دیگری بجای او میاید و نظام امور را بدست میگرد؟ ... حالا ما دیدیم رئیس جمهور شهید شد و همه ایران شباتش محفوظ است و بالا تو شده است و همه برای او سینه میزنند و عزاداری می‌کنند. از همه میخواهند حفظ کنید دیگران را. چه شباتی نیست؟ همه جبهاتش تمام است. همه‌ی جبهاتش خوب است... در ایران جز اینکه هی چند نفر را می‌کنند و هی هر روز می‌کنند، دیگر خبری نیست. بچم همه اینها، ایران با ثبات ترین سالک است الان، و این انفجارات و اینطور چیزها دلیل بر شباتش است. اگر متزلزل بود، اینکارها نمیشد... بنابر این ما چه گرفتاری داریم؟

در صفحات دیگر:

- فائوم های ساخت کارخانعات آیت اله خمینی
- قتل عام مردم بهگناه، تکلیف شرعی پاسداران سرمایه
- گزارشی از مبارزات خلق کرد

دولت ...

کابینه‌ی آیت‌الله کفی است که بنظر مسردستانه
هایی - هر چند ضعیف و هنوز کمربک - از یک
کابینه‌ی آشتی اسلامی را با خود بهمراه داشته
باشد.

پس از کشته شدن رحایی و باهنر، سردمداران
رژیم بویژه مقامات عالی‌رتبه‌ی قضایی جمهوری
اسلامی، برنده‌ها سر دادند و حظ و نشانها کشد-
ند. از جمله دادستان کشور، آیت‌الله ربانی
املشی، به "دادگاههای اسلامی برای کشتور
رهنمود داد که از "امیرالمومنین" سباموزند که
"در یکروزه ۴۰۰ نفر را از دم شمشیر میکدرانند".
البته چنان پیشواشی بدون اینکه خم به ابرو
بیاورد در یکروز چهارهزار "کافر" را شمشیر
به قتل میرساند باید چنین بیروان جویشواری
نمزد داشته باشد. و اینها امروز با ملاحه‌های
مدون کسوفی قادرند چندین برابر شمشیر، قتل عام
کنند. امروز، بعد از قرنهای دروغ باطنی و
عواقف‌پیی دربارهای پیشوایان مذهبی، پرده‌ها
کنار زده میشود. سباده مجاهدین که با یک
نمای صداقت، سپهر زمین و آسمان معلق اند و خود
را با بخشی از آیات، احادیث و اخبار، دلخوش
داشته‌اند، ناقل از اینکه پیشوایان درصدر
اسلام، از صدر تا ذیل - حتی خونها برین آنها -
در زمان خود، خمینی‌ها، کاشانی‌ها، بروجرودی
ها - شیخ فضل‌الله‌ها، بهشتی‌ها، منتظری‌ها،
شریعمداری‌ها، نواب صفوی‌ها، فلسفی‌ها،
رفسنجانی‌ها، موسوی اردبیلی‌ها، باهنرها،
هادی غفاری‌ها، خامنه‌ای‌ها، ربانی‌املشی‌ها،
قدوسی‌ها، محمدی کیلانی‌ها، خلخالی‌ها... ی
زمان ما و پدران ما بوده‌اند. باری پیش از
عریده‌کنشها و هل من مبارزه طلبیهای ربانی‌املشی
و سایر رهبران رژیم، آیت‌الله خمینی بلافاصله
نه بخاطر "رافت اسلامی" (بعوذبالله!) بلکه
بخاطر ملاحظات بسیار مهم سیاسی، نطفی ایراد
کرد و در ضمن آن گفت:

"به تمام محاکم توجه میدهم سادا این
شرارنها باعث شود کنترل خود را از دست
بدهند و زائد بر قانون اسلام عمل کنند"
"سادا این، اسباب آن شود که خونینت
زیاد با اسیرها و زندانیها کنند."

نه سخنان تهدید آمیز ربانی‌املشی‌ها بنبروهای
انقلابی را بوجت انداخت و نه خزعبلات ربانیکا -
راندی خمینی، کسی را فریب داد (چراکه علی‌رغم
این بیانات خمینی، جلادان رژیم به دستورا و
همچنان به کشتار خود ادامه میدهند و هر روز
دهها رزمنده‌ی انقلابی را به جوخه‌های اعدام
میسپارند). ماهیت جنابکارانه‌ی ربانی‌املشی
ها و خمینی‌جا به نک انداره برای مردم شناخته
شده است. اما چه چیز است که خمینی به
تندروبهایی دست نشاندهگان خود مهار بزند؟ بنظر
میرسد که دو عامل بهتراز همه در این مورد

نقش داشته باشد:
۱- جلوگیری از کشتارهای انتقام جو-
جوپانه و سازمان نیافته و بدون برنامه، که
نهایتا هیچ مشکلی از مشکلات رژیم برای ایجاد
"بمنبت داخلی" را حل نمیکند. و جایگزینی
آن با سرکوب سازمان یافت، حساب شده، بک
برنامه، و نتیجتا، در کوتاه مدت، موثر.
۲- بازگذاشتن منفذی برای نجسات
احتمالی از مرگ.

بررسی عامل اول را (اگر رژیم فرصتی
برای تحقق آن یافت و قبل از آن سرنگون نشد)،
به فرصت دیگری واگذار میکنیم و در اینجا به
عامل مهمتر و موثرتر بر این ناکتیک جدید خمینی
میپردازیم. زیرا آنچه در حال حاضر، علی‌رغم
باوه‌براسی نظیر "با شایات تر از مملکت ما کدام
مملکت است" و غیره، فکر خمینی را عمیقا بخود
مشغول داشته، چشم انداز سرنگونی رژیم منصور
اوست.

خمینی پس از نطق اشاره شده در مورد "اسیر
ها و زندانی‌ها" دومین گام را در راستای
هدفی که در فوق اشاره کردیم، با اکتساب مهدوی
کفی به سخت‌وربری، برداشت و بحای انتخاب یکی
از فالانتهای حزب جمهوری اسلامی، یک فرد "سطرف
و "مانه‌رو" را سرگزید که عضو حزب جمهوری
اسلامی نیست. آنها خمینی با انتخاب مهدوی کفی
درصد تشکیل یک "کابینه‌ی آشتی اسلامی" است.
همانطوریکه شاه در زمانیکه سرنگونی رژیم خود
را نزدیک دید، "کابینه‌ی آشتی ملی شریف‌امامی
را بوجود آورد؟ به این مطلب خواهیم رسید ولی
قبل از آن باید در راستای ناکتیک جدید خمینی
به یک نکته‌ی دیگر هم اشاره کنیم:

یکماه و چند روز پیش، کابینه‌ی حجت‌الای-
لام باهنر، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، کابینه‌ی
"قاطعیت انقلابی" بود. باهنر چند روز قبل از
کشته شدنش به "گروهکهای امریکایی" اعلان جنگ
داده و برایشان خط و نشان کشیده بود:

"ما این گروهکهای امریکایی... را شسا-
حنه‌ایم... و برانیم تا ثقله‌های اسر
قدرتها را در کشور پاک کنیم و بطور
قاطع این برنامه را تقویت خواهیم
کرد." (اطلاعات، ۶۰/۵/۲۶)

امروز در سخنان خمینی و اعوان و انصار او
نظیر رفسنجانی، خامنه‌ای، مهدوی کفی و غیره از
"قاطعیت انقلابی" سخنی بمیان نیامد. رجز
خوانی‌ها فعلا کنار گذاشته شده است. حتی
مهدوی کفی، وقتیکه از "بیت‌امام" بیرون
میآید، بدون هیچ ارنشاط یا سؤال خبرنگار
تلویزیون، "خطاب به گروهها" به آنها "توصیه"
میکند که: "سلاحها را بزمین بگذارند". (اطلاعات
۶۰/۶/۱۷ - سائیده‌ها آزماست)

ربانی‌املشی جلاد در "معاصبه‌ی اختصاصی
با اطلاعات، رهنمودهای چند روز پیش خود به
"دادگاههای انقلاب اسلامی" و درس آموزی از
"حضرت علی"، را فراموش کرد و اعلام داشت که:

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید

را کلاه گذاشت. میتوان مفسطه بافی کرد، شوجیهات علمی یا اسلامی ارائه داد، میتوان جدا جدا نمونه از عبارات "خوبتر آن و بسا از آنش" و کلمات فقار "بیتانگذاران سوسپالیسم علمی و پشوایان مارکسیسم - لنینیسم و رهبران استالینیسم و ماشوشیم، بیرون کشید و لسانی واقعیت تاریخی اینست که بزرگترین سازمان خردده پوزوایی دموکرات و بسیاری از سازمانها و گروههای کمونیستی نیز در برپایی و استقرار رژیم مغفور خمینی، نقش اساسی داشته اند و امروز نمیتوانست مسئولیت تاریخی خود را که مبتنی بر عملکردها، موسسگیها و نوشته های چاپ شده ای آنهاست، منکر شوند.



اگر در روزهای آینده، چشم انداز حتمی مبهمی برای منکلات عظیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نظامی رژیم پیدا نشود، اگر مبارزه ی مسلحانه و غیر مسلحانه ی مخالفان رژیم همچنان موج بگرانی و وحشت بپراکند، اگر مبارزان مسلح گرد، به ضربات کوبنده ی خود علیه رژیم ادامه دهند، اگر رژیم موفقیت حتمی ناچیز واقعی (نه دروغین و تبلیغاتی) در شبهه های جنگ با عراق بدست نیاورد، اگر پادشاهان همچنان کشته شوند یا فرار کنند و سربازگشت روحانیون به حوزه های علمیه ادامه یابد، اگر وقایع هنوز غیر قابل پیش بینی، باقیمانده ی اعتماد به نفس ظاهروری رهبران رژیم را از بین ببرد، اگر پولی از جایی (شاید از "در غیب") به خزانه ی خالی دولت ریخته نشود و بسیاری از گره های دیگر رژیم خمینی را در معرض برنگونی حتمی قرار دهد، در این حال ممکنست کابینه ی مهدوی کنی، "کابینه ی آشتی اسلامی" یابد و تاکنیک عقب نشینی موفقی، به مورد اجرا درآید. ممکنست گفته شود که رژیم خمینی در سرکوب نیروهای اسلامی مخالف آنچنان پیش رفته که راه بازگشت برایش باقی نمانده است. در مورد "عارش ناپذیر بودن خمینی افسانه هایی هنوز رواج دارد که اساسا نادرست اند و در مورد عقب نشینی های موفقی خمینی در دو سال و نیم اخیر دهها نمونه میتوان ارائه داد. مگر بحال خمینی در آغاز ماحزرای گروگانگیری و عقب نشینی قضات بار سندی او را فراموش کرده ایم؟ مگر خمینی سببگفت که "اگر آمریکا، شاه و دارایی های او و خانواده اش را تحویل بدهد در اینحال ممکنست که جاسوسها را محاکمه نکنیم". و ولی سرانجام، آمریکا نه شاه را پس داد و نه دارایی های او و خانواده اش را و خمینی گروگانها به امانی پیش از پنج میلیارد دلار دغایر ارزی ایران را به آمریکا - لیس آمریکا هدیه داد.

عقب نشینی احتمالی خمینی در مقابل نیروهای اسلامی، نه از عقب نشینی او در مقابل آمریکا خفت بارتر است و نه از نمونه ی دیگری که بعدا (در مورد کردستان) ارائه خواهیم داد.

"سابقه ی ۱۰ ماده ای دادستانی کل به قوت خود باقی است." (اطلاعات ۶۰/۶/۱۸۰)

و یا عقب نشینی تاکنیکی مرورانه ادامه داد و اما باید متذکر شوم گروهکهای که مسلح شدند و با ما سر دعوا دارند و توجهی به این اطلاعاتها نمیکند و تنها صلاحشان از لحاظی گرم است. ما هنوز اعلام میداریم که اطلاعاتی ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب یا نظیر شورای عالی قضایی بوده و بقوت خود باقی است و هر کسی که بخواهد در این مملکت فعالیت سیاسی داشته باشد باید از چهارچوب قانون اساسی و مقررات خارج نشود زیرا ما اجازه ی فعالیت سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی احرار میدهیم و خواهیم داد. (همانجا)

سوال قبلا عنوان شده را تکرار کنیم: آیا کابینه ی مهدوی کنی، "کابینه ی آشتی اسلامی" است؟ بنظر ما هم آری و هم نه و دقیق تر اینکه: بهنگام نگارش این مقاله، هم آری و هم نه. دو هفته ی دیگر، یعنی در اولین هفته ی مهر ماه، اگر میخواستیم به این سؤال جواب بدهیم میتوانستیم دقیقتر (نه کاملا دقیق) بگوئیم: آری یا نه. توضیح خواهیم داد برای چه؟



خمینی بارها و بارها، چه قبل از قیام و چه در این دو سال و نیم، از "سرمش" مرورانه ی تاکنیکی و دقیقتر بگوئیم از حربه ی سیرتسنگ استفاده کرده و هر بار که خوش از بیل کشیده، به تنها به باران و متحدان مقطعی، بلکه حتمی به دشمنان ساده لوح خود، خندیده است. در اینجا لزومی ندارد که به یادآوری ترازوی دردناک و دیوانه کننده ی ماههای قبل از قیام بپردازیم و تک بروی رحمتها بپاشیم و بروی سیرتسنگ بار بپاشیم. در همین شهادت قرن را دنبال کنیم. در اینجا به فرصتهای سرک و گراشهای تاریخی میپردازیم که بعد از قیام بوجود آمدند که سوانسند و استعدادهای منجوس رژیم ولایت فقیه حلوگیری نمود و با سر این حیوان دریده را به سنگ بستند. ولی به تنها بخاطر حماقتهای طبقاتی و حیانتهای بزرگانها، سنجاسیها و بنی صدرها، بلکه بیشتر بخاطر فریب طلبیها، محاسبات کاسکارانه، تسلیم طلبیها و فقدان آگاهی طبقاتی بزرگترین نیروهای دموکرات (مجاهدین) و بیپ (فدائیان خلق) سرپا رفتند. امروز مسعود رحوی در محاسبه های خود در خارج از کشور چه راحت میتواند بگویند:

"ما از همان اول مخالف خمینی بودیم."

مگر میتوان بروی هزاران هزار نمونه از اعلامیه ها و جزوات مجاهدین و مقالات مجاهد (حتی بنا برین سه ماه پیش) به بکاره با سبک سارت، خط سیاه کشید. به مردم میتوان دروغ (مسلحتی) گفت ولی مگر میتوان سر نارنج از

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

کودتای ۲۸ مرداد ۵۸، حمله به سروهای انقلابی، تعطیل روزنامه‌های متروقی، یورش و اشغال مقر سازمانهای انقلابی و دموکراتیک و بالاخره اولین حمله‌ی سراسری به کردستان را به دنبال داشت. در ۲۷ مرداد، یکروز قبل از افتتاح مجلس ارتجاعی خبرگان و ماهها قبل از اینکه قانون اساسی قرون وسطایی رژیم تصویب شود، خمینی فرمان معروف خود را صادر کرد و در آنجا برای اولین بار خود را "فرماندهی کل هوا" خواند. در فرمان جلاد برای اولین گشتار سراسری کردستان آمده بود:

"من بعنوان فرماندهی کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور میدهم، "اکریا توپها و تانکها و قوای محبر تا ۲۴ ساعت حرکت نسوی پاوه بشود. من همه را مسئول میدام." من دستور میدهم بطرف پاوه رفت و غائله را ختم کنند.

بدنبال حملات وحشیانه و گسترده‌ی سپاه پاسداران و ارتش فرماندهی مشترک وزیر دفاع، معظمی جمران و فرماندهی ستاد عملیاتی سپاه پاسداران اموشریف، پس از گشتار هزارتنی از توده‌های معروف کرد توسط تانکها، خمپاره‌ها، بمب افکنها، پس از جنایات خلیجی دوانه که به دستور خمینی به کردستان اعزام شده بود، پس از رجوع خواستهای بشمار خمینی و سایر رهبران جمهوری اسلامی که تا پیروزی کامل و ختم غائله، جنگ ادامه خواهد یافت، کم نبودند کسانی که میبایست شدند خمینی تا آنجا در حرف و در عمل پیش رفتند که راه بازگشت برای خود باقی نگذاشته است. ولی از یکطرف مقاومت قهرمانانای خلیج کرد و شکست نظامی مقتضای رژیم جمهوری اسلامی و از طرف دیگر نزدیکی زمان رفوانسردوم قانون اساسی ارتجاعی، خمینی را بیکبار دیکر وادار به عقب نشینی موقتی کرد. خمینی تا کهان در میان معجز صیگانی در ۲۶ آبان ۵۸ پیغام مغفلی فرستاد که منظوری از اشرا نقل میکنیم:

"سلام بزرگ تمام شمسها را محکوم کرده و برای هیچ گروهی ویزگی خامی قرار نداده... و در سپاه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره‌ی امور داخلی و محلی و رفع محرکونه تمسیر فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت میباشد و مقررات و قوانین مربوط به آن پیرودی انشالله تعالی تدوین میشود." (اطلاعات - ۵۸/۸/۲۷)

"از هیات ویژه، میخواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصتهای مدعی و سیاسی و ملی سایر قشرها تماس بگیرند تا تا مابین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست سلووردلخواه شود." (همانجا)

در این پیام خمینی دست خود را نه تنها سوی "برادران کرد" بلکه "عاجزانه" سوی تمام "خواهران و برادران هم مین سراسر کشور" دراز میکند:

"خواهران و برادران هم مین در سراسر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما بخاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشور بکار برید."

و آخرین عبارت پیام مفضل "شاید بزرگ چنین پایان می‌یابد:

"ارالهی، من ما موریت خود را که نصیحت به ملت است بقدر توان صعیف خود انجام دادم و نوای خدای بزرگ، قلیوب ملت ما را ببوند برادرانه عطا نما.

در سدر لحظاتی که بدنبال شکست نظامی رژیم، مقاومت قهرمانان و فداکاری خلق کرد مبرفت که شمراث خود را بهار آورد و صربه‌های نهایی (حداقل در کردستان) بر این رژیم منفور وارد آورد، شهرنگ جدید ما پیام ۲۶ آبان خمینی صادر شد. به تنها کلمه‌ی گروهها و سازمانهای سوززواپی و حرده‌پوززواپی (از جمله حزب دموکرات و سازمان مجاهدین)، بلکه اکثر گروهها و سازمانهای کمونیستی (سویزه فداشبان خلق یعنی عمده ترین نیروی فعال کمونیستی سراسری در کردستان)، دچار حرکت شدند و بکار دیگر، از خمینی رو دست خوردند.

شما زندگان رژیم جمهوری اسلامی بدستور شعر خمینی (بطوریکه در عبارات پیام مندرج در فوق نیز منعکس است) نه فقط با "قاسطوی مفسد" عزالدین مفسد بلکه سویزه شما بندگان "کفروالحاد" به مذاکره نشستند. اتفاقا همین آیت الله سیدوی کسی (سخت وزیر "کابینه‌ی آنتی اسلامی" احتمالی) بعنوان عضو شورای انقلاب اعلام داشت:

"حزب دموکرات دوباره به رسمیت شناخته میشود." (اطلاعات - اول آذر ۵۸)

و قاسطو در میتینگ بزرگ مها باد گفت:

"ما به پیام امام لبیک گفته‌ایم." (اطلاعات - ۵۸/۸/۳۰)

سازمان مجاهدین خلق، که بقول رفقای کومه‌له در شماره‌ی یک نشریه‌ی "پیشرو" درباره‌ی گشتارهای وحتشانه‌ی رژیم کاملاً بی تفاوت مانده بود، تا کهان ذوق رده شد و قبل از تمام گروهها و سازمانهای سیاسی درباره‌ی پیام ۲۶ آبان، خمینی، موضع گرفت. مجاهدین در اعلامیه‌ی مورخ ۲۷ آبان ۵۸ خود، که در صفحه‌ی اول اطلاعات همان روز بچاپ رسید، خطاب به خمینی چنین نوشتند:

"بدر بزرگوار، پیام شما یعنی بر ضرورت برسمیت شناختن حق اداره‌ی امور داخلی

گشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی برای تمام اقشار و طبقات ملت شریف ایران گردد، طب فرزندان شما (ز میاهدین) را مالمال از سرور و شادی نمود...

در این طب نشینی یوقی، خصمی از همان آغاز ابتدا قصد رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی برای تمام اقشار ملت شریف ایران کرد را ندانست. هدف او با توجه به شکست نظامی رژیم و پشتسر گذاشتن مرحله مهم فرانسوی قانون اساسی چیزی جز تعدید قوا و تدارک خطای سراسری مبدع به کردستان نبود که پنج ماه بعد در اوایل بهار تقریباً همزمان با پرتیمت دانشگاهها، با شرکت فعال بنی صدر، رییس جمهور و فرمانده گ قوا، لغاز شد و هتسوز ادامه دارد.



و امروز که بحران رژیم بعثت مرک بار نرس از کلبه بحرانهای گذشته است و خصمی بیستین از هر زمان دیگر رژیم منفر خود را در آستانه سقوط میبیند، احتمال طب نشینی و نیرنگ جدید به پیچیده دور از ذهن بنظر نرسد. اگر های اشاره شده در صفحات قبل، میتواند از کابینه مبدوی کنی بطور رسمی کابینه آشتی اسلامی بسازد. نشانه های آراه شده در صفحات قبل را در اینجا بطور خلاصه نقل میکنم:

- ۱- توجه دادن خصمی به تمام محاکم در صورت از دست ندادن کنترل خود و عدم افسال خشونت زیاد با اسیرها و زندانیان.
 - ۲- لعن کثیر تهاجمی روزنامه های مزدور صدا و سیما و وقوع و تورکان رژیم در چند روز اخیر نسبت به نیروهای انقلابی.
 - ۳- سعی غیر متعارف رهبران رژیم نظیر رضنجانی و خامنه ای و غیره در آرام کردن جو او ایستاد محوطه های اخلاقی بجای شاخ و شانه کشیدنهای معمولی.
 - ۴- فرو نشستن فلپانیهای انقلابی در استان کربلا، رانی امش، و اعلام بی مقدمه او در مورد همجنان معتبر بودن بیانیه گدایی (مادامی دادستانی در زمینه آزادی فعالیت های سیاسی بر اساس قانون اساسی).
 - ۵- انتصاب یک صبره غیر حزبی و میانرو از طرفی خصمی به نخست وزیر بجای انتصاب قلاتو معروف حزب البس.
 - ۶- توصیه بی نغمت وزیر جدید به گروهها در موردی نتیجه بودن صلیبات سلحانه و در خواست عدم توسل به سلاح بجای تهدیدها، التهانوم ها و ضرب الاجل های متداول بر اینها میتوان نشانه های کمتر چشمگیر را بصورت شرطی و سؤالی مطرح کرد:
- (۱) غیبتخوری پانزده روزه خصمی، همیون سایر موارد بحرانی و حساس گذشته، برای اعلام موضع غیر متوجه و فاشگرکننده است و با همیون حل صاله گروگانها، برای ساکت ماندن و باز گذاشتن دست و بال عطسه و آره ها و کارچای کن های اوست؟

(۲) تعطیل پانزده روزه مجلس، علاوه بر وحشت رژیم در مورد انفجار کاخ مجلس سنا و نابودی وکلای اسلامی، آیا دلیل دیگری نیز ندارد؟

(۳) بنی صدر بارها در صاحبههای در خارج از کشور گفته است: اگر آیت الله خصمی احادها را متوقف کند، بمب گذارها و تروریستها هم متوقف خواهند شد. و نقل قول اخیری از او را در صفحات قبل آوردیم که: اگر خصمی رجعت به آزادیها را بپذیرد حاصریم به ایران بگردیم. سوال این است که: اینها نظر شخصی آقای بنی صدر است و یا این فرمایشات مورد تأکید متحد و هتسوز او، سعید رجوی نیز هست؟

(۴) آیا هانی الحسن، ضاوار نزدیک باسر مرقات و سفیر سابقی قطین در جمهوری اسلامی، فقط برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد خرید اسلحه توسط جمهوری اسلامی از اسرائیل به ملاقات سعید رجوی رفته است و یا با توجه به روابط بسیار خوب او با رهبران رژیم و صمود رجوی، ماموریتی مستقیم یا غیر مستقیم داشته است؟ البته هانی الحسن، پس از ملاقات با رجوی، در ضمن گفتگوی کوتاه با خبرنگاران، با تأکید به روابط حسنه با جمهوری اسلامی و برادران میاهد، گوشه ای از برده را کنار زد. ما نمیخواهیم در ایران حمام خون بسراه بیفتد. (جالب است که بدانیم پس از افشا ملاقات هانی الحسن و سعید رجوی، سازمان باسر مرقات در بیروت بلافاصله خبر این ملاقات را در روج محض خواند و اعلام داشت که در زمان ملاقات، هانی الحسن نه در پاریس بلکه در صوفیه بود. البته روز بعد روزنامه های لوپاتن پاریس و تایمز لندن، حکمهای از هانی الحسن در کنار سعید رجوی در اقامتگاه بنی صدر در حومه پاریس، انتشار دادند. و سعید رجوی نیز در صحابه با نشریه لبنانی "السنهار" این ملاقات را تأیید کرد.)

اگر تماع این موزائیک ها یعنی نشانه های غیر چشمگیر (که سکست در ریزها و هفته های آینده با شفافیت بیشتری قابل رویت باشند) و نشانه های چشمگیر اشاره شده در فوق را در کنار عوامل تعیین کننده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و در کنار وحشت صغیر رهبران از سقوط رژیم سرخ اختلافات شدید بین آنها (بین حاکمیت بظاهر یکدست و یکپارچه م در زمینه نحوه برخورد با مخالفان و عدم کارائی سرکوب خونین و وحشیانه و غیره قرار دهیم، آنوقت میتوان پیشرو بنی کرد که احتمال تبدیل کابینه مبدوی کنی به کابینه آشتی اسلامی، احتمال چندان ضعیفی نخواهد بود. با تأکید بروی این شرط، که تردید خصمی در سرنگونی قرب الوقوع رژیم او به یقین تبدیل شود. و در شرایط کنونی، فاصله این تردید و یقین یک گام بیشتر نیست. و نیز انتصاب مبدوی کنی به نخست وزیر و اعلام رسمی کابینه آشتی اسلامی، او کابینه آشتی ملی شریف امامی را به رژیم جنایتکار شاه تبدیل کرد، میتوانست کابینه آشتی اسلامی مبدوی کنی را به رژیم جنایتکار خصمی نیز تبدیل کند. و طی همانطوریکه میانه رو و غیر حزب رستاخیزی بودن شریف

فکر و پایداری ساخت کارخانجات آیت الله خمینی

جانب سردمداران رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، شکست زده می شود. در قرن بیستم حتی کودکان خردسال نیز آگاه تر از آنند که با سرکند عراق، اسرائیل را وارد کرده (آرم دلش برای اسرائیل کباب میخورد، بیچاره اسرائیل) که مراکز اتنی عراقی را بمباران کند.

بهر رو اگر خزیمات امام امت را صد در صد بپذیریم، یک سیاله هنوز برای ما حل نشده باقی میماند و آن آدرس کارخانجات اسلامی سازی اسلامی امام خمینی است که بعد از بهر کردن شاه و آمریکا از ایران و قطع ایستادگی امپریالیسم به منظور تأمین نیازهای پهنای ارتش مکتبی ایران، گفاز بکار کرده است. ما از دولت مکتبی میخواهیم که این خیبر دشمن شکن را به منظور مزید اطلاع امامت بخشد.

بازی ۳ امت همیشه در صحنه باید بداند که رژیم جمهوری اسلامی قطعات بدکی قاننوم، انواع هواپیماهای نظامی دیگر، رژیم ناوهای نیروهای دریایی، کشتی های جنگی، موشک های جیت و تانکهای چیغین، انواع سلاحهای سبک و... را مطلقاً از هر قدرتها خریداری نکرده و تمامی این قطعات در همین کشور و به دست پرسنل مسلمان مکتبی متعدد تولید می شود.

با روشن شدن آدرس کارخانجات اسلامی سازی اسلامی امام خمینی و آشنایی امت با نحوه کار این کارخانجات شایعه خرید اسلحه از اسرائیل نیز به خودی خودی نتهبا برای امت مسلمان ایران، که برای تمامی (مردم مستضعف جهان) روشن خواهد شد.

در بی صاعقه نظر امر خارجه و نکد پسر خیر خرید اسلحه از رژیم اشغالگر قدس، امام امت نیز در کنار با پرسنل نهبرانی و اضاای انجمنهای اسلامی دانشجویان خارج از کشور گفت:

ما اسرائیل را قابل آرم (!) نمیدانیم تا اینکه با او رابطه داشته باشیم. ما پیش از بیست سال است که با هر جاسوس است ((آری فقط صحبت)) شده است و هر جاسوس اعلامیه پخش شده است یکی از اسیری که در راس صایل ما بوده است اسرائیل بوده است... همین صدام... برای سرپوش روی این جنایات اسرائیل را وارد میکنند این مرکزی را که آنها دارند ((مرکز اتنی عراق)) بمباران کنند تا یک وسیله ای بشود برای اینکه گفته بشود اسرائیل مخالف صدام است.

هر ما دانسته نیست که این شیوه های ارزان دروغی امام امت از وضع امر خارجه است آموخته و با برنگر. اما مکتب هستیم که بقایای امت هنوز هم در صحنه ای که حوصله شنیدن سخنان امام امت را داشته، در پاسخ باین باوه های مبتذل، دستکم پوزخندی تحول امام امت داده اند.

ما در مقالات گوناگون نشریه در باره هر دو رژیم ضد کارگری و ضد مردمی ایران و عراق و وابستگی آنها به سرمایه جهانی توضیحات فراوان داده ایم. اما بخت بر سر این است که آرسی از این همه دروغ و ابله فرض کردن مردم از

ندارد: خمینی باید برود... در هر شرایطی (با یا بدون عقب نشینی موقت خمینی)، هیچ عاقبتی جز استفاده از تاکتیک سرنگونی رژیم اسلامی، متصور نیست. باید رژیم خمینی (نه آنطور که قیلا میبایدین میگفتند و اکنون فدائیان اطمینت میکنند: حزب جمهوری اسلامی) سرنگون شود.

دولت...

امامی و کابینه آشتی ملی او نتوانست از سرنگونی رژیم جنایتکار شاه جلوگیری کنند، غیر چیزی میان رو بودن مهدوی کی و کابینه آشتی اسلامی احتمالی او نیز در آینده نخواهند توانست رژیم حلال خمینی را از سرنگونی حتی نجات دهد. همانطوریکه شریف امامی، نخست وزیر، رئیس مجلسین و از مبره های اساسی رژیم شاه و در تمام جنایات او شریک بود، مهدوی کی نیز بعنوان عضو اولیه شورای انقلاب، سرپرست کیمته ها، وزیر کشور و از مبره های اصلی رژیم خمینی و در کلبه جنایات رژیم او سهیم است. رژیم متامل و درمانده خمینی با یا بدون کابینه تا طمیت انقلابی با یا بدون کابینه آشتی اسلامی محکوم به سقوط و زوال حتی است.

در صورت بروز نبرنگ جدید خمینی، برای رهایی از کابوس این رژیم جنایتکار و به دور رفتن لاشه پوسیده و شعلن آن، هیچ راهی (حتی برای کسانی که شناخت طمی در مورد قوانین ناظر بر مبارزه طبقاتی ندارند) جز استفاده از همگان تاکتیک سازش ناپذیری خمینی در زمان شاه وجود

هموطن!

با توجه به اکتانای ازمان ما در چاب و سهم و بخش گسترده رهایی که خود ناشی از اقدامات سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم است، کوشش کن برای آزادی خود را رهایی (در صورتیکه امکان تکمیل آنرا ندای) بهر وسیله ممکن هر شماره را لااقل بدست همسایگان، دوستان و آشنایان خود برسانی و با اینکار سهم خود را در افشای ماهیت ارتجاعی رژیم مردمی رژیم جمهوری اسلامی برای در هم شکستن جو اختناق و سرکوب و در مبارزه طبقاتی و استفاده ادا کنی.

مهدوی با ماست

قتل عام مردم بیگناه ، تکلیف شرعی پاسداران سرمایه

"امام امت" در پی رویدادهای سیاسی اخیر کشور ناگزیر شده، بیش از پیش در صحنه حاضر گشته، چهره‌ی ماورای طوفانی و آسمانی را که از خود در ذهنیت‌توده‌های متوهم رسم کرده بود، درهم دریده، و خود را با اداری امور را در دست‌گرفت. از آنروست که مردم هر روز بیش از روز قبل با چهره‌ی حدید دژخیم آن‌ها میشوند.

اما نطق اخیر خمینی عطا به پاسداران و مسئولین رادپو نلوپوزیون، در برگیرنده‌ی مطا لسی است که چهره‌ی دژخیمان و قد بشری رژیم او را بیش از پیش عریان می‌آورد. "امام امت" بعد از ذکر تمارقانی همچون:

"ما میل داریم همه‌ی عالم در صلح و صفا باشد. اگر قدرت داشتیم اصلاً باروت را از بین می‌بردیم (لایذ با تی.ان.تی.)، قوای منفجره را از بین می‌بردیم...

میگوید:

"اگر بگذشته از مسلمین را کفار پیرو قرار دادند، فرض کنید که عراق فاسد یک دسته‌ای از مسلمین بیگناه را سپر قرار داد و پشت آنها ایستاد که بریزد ایران را بگیرد بر ما واجب است که مسلمان و غیر مسلمان را بکشیم، مسلمان‌ها شهید هستند و به بهشت می‌روند و کافرها پیش کافر و به جهنم."

راستی چه شده "امام امت" که دیروز میگفت در

دولت...

برخورد انقلابی با رژیم خمینی، نه سر - گشتگی همیشگی "اقلیت" و نگار بودی عبارات "دیپلماتیک" است، نه راست روی "پیکار" - به عنوان آنچه چهره‌ی های گذشته - در اتفاق "ناگنیک عقب نشینی موقت" (مقاله‌های ۱۱۴ و ۱۱۵ پیکار) و نه معانات منظور نیروهای دموکرات در صورت عقب نشینی موقتی رژیم - سر - خورد انقلابی در مقطع کنونی، در هرحال و حتی در صورت اعطای پاره‌ای امتیازات از طرف رژیم، طرح صریح و قاطعانه‌ی مسئله سرنگونی رژیم و بر داشتن کامهای عملی در اس زمینه است. باید به این رژیم نیمه جان محکوم به مرگ، کاری ترین ضربات مهلک را فرود آورد. و گرنه، آیت الله با

جنگ یا کفر عراق اخلاق اسلامی از جانب "قوای اسلام" رعایت میشود و نیروی هوایی جمهوری اسلامی صرفاً به بمباران مناطق نظامی عراق اقدام میکنند، امروز میگوید: "بر ما واجب است مسلمان و غیر مسلمان را بکشیم چه شده که امام امت بعد از یکسال از آغاز جنگ - سر - ما به داران ایران و عراق چنین فتوایی میدهد. واقعیت اینست که مطلب چیز دیگریست و "امام امت" همچون تمام موارد دیگر دروغ میگوید و لابوشانی میکند. آیا ارتش عراق به هنگام حمله، مسلمانهای ایرانی را سپر قرار میدهد، یا پشت تانکهای خود پناه میگیرد؟ پس تکلیف شرعی امام درباره‌ی چه موضوعی است؟ مطلب از این قرار است که پاسداران امام و نیروهای سرکوب رژیم در مقابله با نیروهای مترقی دچار محظوراتی هستند. مثلاً زمانی که به تعقیب یک اتومبیل "مشکوک" پرداخته‌اند، احتمالاً به علت ترس از یک نتوانسته‌اند، به آن اتومبیل برسند و یا مثلاً یک فرد تحت تعقیب توانسته با استفاده از اردحام مردم از دست پاسداران امام بگریزد، و با پاسداران سرمایه که به منظور دستگیری عناصر کمونیست و مترقی به خانه‌های آنها هجوم آورده‌اند، با مقاومت مسلحانه‌ی این مبارزین مواجه شده‌اند. در چنین حالتی با باید پاسدارها با استفاده از تفنگ و تیربار و طباخچه و نارنجک دستی و گاز اشک‌آور در شرایط تقریباً برابر با نیروهای انقلابی مقابله می‌کنند، و با خیال خود را آورده کرده، قید تمام مسلمین را که مثلاً در طبقات دیگر همان ساختمان، دور آن حول و حوش هستند، زده و تمامی ساختمان را با آتش می‌سوزانند، و انواع موشکهای دیگر نابود می‌کنند. دستور امام امت در مورد استفاده از اینگونه شیوه‌های قتل عام است. برائیتی که امام امت در "اخلاق اسلامی و انسانی" روی سلطان تیمور پادشاه سابق عمان، هایل لاسی، و دیگر جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است.

آست شیطان . همانطوریکه بارها و بارها در ظرف دوماال و نیم گذشته دیده‌ایم، وقتی که بحران مرگ بارکنونی را پشت سر گذاشت، نگار دیگر سریش همگان خواهد خندید.

• شیخ علی نهرانی، یکسال پس از آغاز دومین جنگ سراسری کردستان، در یکی از شماره‌های نشریه "معاهد" لاس کرد که رهبران جمهوری اسلامی پس از "خوب آمدن استخاره" این جنگ را آغاز کردند. خمینی مانند دهها مورد گذشته، هر بار که در تنگنا می‌افتد و رژیم خود را در معرض خطر می‌بیند، به غیبت صغری و بست نشستن متوسل میشود و شاید یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری‌های او استخاره باشد. از یک مشت دعا نویسی و روضه خوان و توضیح المعامل نویسی، برای حل معضلات جامعه، ترفندی است که این هم نباید داشت.

پرتوان بلا اتحاد کارگران علیه سرمایه داران

به یاد ابوالفضل و منوچهر

رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی روز ۱ تیر، به هنگام پخش اعلامیه‌ی سازمان در پاره‌ی شهادت رفیق سمید سلطانپور، در تبریز بدست پاسداران ظلم و جمل اسیر شدند و پنج هفته بعد خبر اعدامشان در روزی نامه‌های رژیم به چاپ رسید. در رهائی ۹۲ شرح کوتاهی داشتیم از زندگی و مبارزات این دو رفیق. آنچه در زیر میخوانید گزارشی است از وضعیت شهادت رفیق دستنبو که وحشیگری غیر قابل تصور جلادان خصمنی را بخصی نشان میدهد، وحشیگرهایی که مطابق قوا، های خود خصمی انجام میدهد.

میرند که استخوان کتف او نیز شکسته شده و شکاف در محل شکستگی مشخص است. علاوه بر این سه انگشت یکی از دستهای رفیق نیز بریده و از کف دست جدا شده بود. تنها جای کلوله‌ای که در جسد مشاهده شد در دهان وی بود. معلوم بود که کلوله ای را به داخل دهان رفیق شلیک کرده اند که در اثر آن یک طرف صورتش از هم پاشیده شده و زناش از ناحیه کردن بیرون زده بود.

خانواده رفیق ابوالفضل طریقم مراجعات مکرر به دادگاه انقلاب، هنوز موفق به دریافت جسد نشده اند. به احتمال قریب به یقین وضع رفیق ابوالفضل از رفیق منوچهر بدتر بوده است.



رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی، دو تن از رفقای سازمان ما، در روز ۱۰/۴/۶۰ به هنگام پخش اعلامیه در تبریز دستگیر میشوند. خانواده‌هایشان که بدنبال دستگیری آنها اکثر کمیته‌ها و سپاه و دادگاه انقلاب را به خاطر پیدا کردن فرزندانشان گشته بودند، کویکسشن آثری از آنها نیافتند. خانواده‌ها به هر کمیته ای که مراجعه میکردند جواب میشدند که ما چنین کسی را در اینجا نداریم. بالاخره نام رفقا را در روز نامه های ۱۴ مرداد نوشتند و اعلام کردند که اعدام شده اند. روزنامه کیهان خبر را با عنوان ۳۷ قاجاقین در تبریز اعدام شدند چاپ کرده و فقط در متن خبر نام دو رفیق را آورده بود. بدنبال همین خبر، وبی یک روز تأخیر، خانواده‌ها برای دریافت جسد ها به دادگاه مراجعه میکنند. مسئولین دادگاه جواب میدهند که به وادی رحمت (گو رستان تبریز) مراجعه کنید. خانواده‌ی دستنبو به گورستان رفته و تقاضای استرداد جسد را میکنند تا آنرا به شهر خودشان ببرند. مسئولین اظهار میدارند که ما چهار روز این جسد ها را در سردخانه نگه داشتیم و ۹ روز است که آنها را بخاک سپرده ایم. خانواده‌ها روزنامه را نشان میدهند و میگویند شما در این تاریخ (۱۴ مرداد) اساسی را اعلام کرده‌اید و از آن تاریخ سه روز میگذرد. ما چه از نظر قانون و چه از نظر شرع مجازیم که نیش قبر کیم. بالاخره بعد از صحبت فراوان خانواده‌ی رفیق دستنبو موفق میشوند که اجازه نیش قبر را از دادستان بگیرند. پس از نیش قبر متوجه میشوند که جسد رفیق را بدون شناسنامه و کفن کردن با پراهنی که به تن داشته در نایلونی پیچیده و در قبر گذاشته اند. پس از آنکه نایلون را باز میکنند تا جسد را مشاهده عینی کرده و آنرا در نایلون نیشی پیچند متوجه میشوند که جای کلوله ای در بدن وجود ندارد و پاهای رفیق منوچهر را روی سینه اش قرار داده اند. خانواده‌ی رفیق منوچهر میگویند که دوپای او را از ناحیه ساق و جند جای دیگر شکسته و باز پس

کفن از ده روز پس از شهادت رفقا دستنبو و صالحی، مردوران رژیم در جلسه‌ی ۱۸ مرداد مجلس خود در حینوی بهترین شیوه‌های شکنجه و اعدام بحث میکردند. در حالیکه تنها از ۳۰ خرداد تا ۱۸ مرداد بیش از ۵۰۰ تن مبارزان انقلابی در شکنجه‌ها با درمداهای تیر رژیم شهید شده بودند. مزدوری به نام عباسی به اربابان خود پادآوری کرد که:

اگر دست و پایی کسی را ببرید او را در خیابان بیندازید ((میدانید)) چه اثر قاطعی خواهد داشت!

و جلاد موسوی تبریزی با قاطعیت اظهار نظر کرد که:

امروز بهترین راه، مبارزه با ضد انقلاب، به صلاحدید همه حکام شرع اعدام است. تنها در ۸۰ روز گذشته نزدیک به ۱۶۰۰ مبارز انقلابی اعدام شده اند. جلادان خصمنی دستپاچه‌های بسیاری را شکسته و بیجا بریده اند و آنرا سینگ خود را بر بدنهای بسیاری خاموش کرده اند. اما پروازهای همه روزه مردوران ریز و درشت رژیم به لقالله بهترین گواه است. اینکه هیچ یک از این وحشیگرها اشرا قاطع نداشته و نخواهد داشت. ریسمان الهی پیوسته ای که خصمنی و حکومتش به آن چنگ زده اند در حال از هم کسستن است. روزمرگ این حکومت ظلم و فساد و جمل در نخواهد بود.

اگر چه منوچهر و ابوالفضل در آنروز در کنار ما نخواهند بود، اما پادشان هرگز از خاطرمان نخواهد رفت. ما راه این دو رفیق و هزاران کمونیست دیگر را که در سراسر جهان برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، برای برقراری سوسیالیسم، جان فدا کرده اند ادامه خواهیم داد.

گزارشی از مبارزات خلق کرد

■ روز یکشنبه ۸ شهریور، روزنامه‌های جمهوری اسلامی سخنگوی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بسا کمال وقاحت و بیشرسی ادعا کرد که پیشمرگان کرد به داخل شهر "نفوذ" و "مردم عادی" را به گلوله بسته‌اند. اخیراً گزارشی دقیق در کمیته‌ری پیشمرگان با پاسداران سرمایه و مزدوران رژیم را دریافت داشته‌ایم که در زیر اقدام به درج آن می‌کنیم.

■ پنجشنبه ۵ شهریور ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر دسته‌ای از پیشمرگان کرد وارد شهر شدند و کنترل قسمتی از شهر یعنی منطقه اطراف سپاه پاسداران را بدست گرفتند که متعاقب آن درگیری شدیدی در این قسمت شروع شد.

در قسمتهای دیگر شهر، پاسداران قاضی حافظ سرمایه و هاشهای مزدور بر روی مردمی که در خیابانها و با در بازار شهر بودند آتش گشودند که منجر به شهادت حداقل سه معزز مردم شهر شد. مردمی که در خیابانها و با در بازار بودند به خانه‌های انحصاری دیگر پناه بردند. ریسر کوچه‌ها و خیابانها بوسیله افراد پلیس، پاسداران و جاشها اشغال شد. و شب‌ها نیز در همین خانه‌ها سر کردند. با وجود این روحیه‌ی مردم بسیار خوب بود و با خودتالی به همدیگر خبر میدادند که پیشمرگان وارد شهر شده‌اند. با پخش شدن خبر ورود پیشمرگان به شهر در محضر خانه‌ها مساط غذا فراهم آمد تا در صورت احتیاج پیشمرگان، به آنها غذا برسانند.

از طرف دیگر پیشمرگان قهرمان با جنس حمله‌ی سرچ عمده‌ی زیادی از مزدوران رژیم را به هلاکت رساننده و یک جیب‌ارزش را نیز به آتش کشیدند. درگیری تا پاسی از شب ادامه پیدا کرد و پیشمرگان ساعت ۲ صبح از شهر خارج شدند، ولی طبق معمول، شهر تا ساعت ۵ صبح از سوی پادگان به توپ و خمپاره بسته شد. در جریان درگیری دو نفر از پیشمرگان قهرمان به شهادت رسیدند، ولی تلفات مزدوران رژیم بسیار زیاد بود یعنی که جسدها را با ریه‌های ارتشی به پادگان منتقل میکردند. در ضمن پیشتر از ۴۵ نفر جاش و پاسدار بوسیله پیشمرگان طبع سلام و از شهر بیرون برده شدند.

■ روز شنبه ۶ شهریور ساعت ۷ صبح پاسدار رسادی ارتشی و جاش و پاسدار و پاسان وارد شهر شده و شروع به تازشی خانه‌های مشکوک کردند و در همین صحن مردم را به زور رفتارهای خناسی از خیابانها به خانه‌ها پناه بردند. مردم با عجز و آدانه خانه کردی و آدنه و آزار مردم با عجز و آدانه پیدا کرد و در این مدت به کسی اجازه‌ی خروج از شهر و یا حتی از خانه داده نشدند. شب‌ها در سکوت عمیقی فرو رفته بود و تنها رگبار سطلها و تریکای مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بود که

با دیدن حتی یک بجدی هیچ شتر ماله در کوجه و یا خیابانی سکوت شهر را میشکست.

■ شنبه ۷ شهریور: امروز نیز مانند دیروز قاضیهای سطح رژیم جمهوری اسلامی در مانسبه کشتی به ایجاد و وحشت در بین مردم پرداختند. سعی معارفه‌ها را با زور تعطل کردند و حتی درهای مسواپی‌ها را به بهانه‌ی بیخشن نان برای کومه بستند. طرف دیروز تا امروز چندین نفر از مردم عادی دستگیر و با سپاه پاسداران برده شدند.

■ یکشنبه ۸ شهریور: امروز نیز مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ضحان با ارمات و در ضمن به خانه‌های بی‌خای خود در نقاط مختلف شهر آدانه دادند. ساعت ۸ صبح اعلام خبر انفجار بمب در دفتر ریاست وزیری جاشها، پاسداران و ارتشی‌ها به خیابان ریختند ولی مانند همیشه مزدوران به خانه‌ها خود خوردند زیرا وحشت مردم بسیار به قدری که لحظه آنها را آرام نگذازد.

■ دوشنبه ۹ شهریور: امروز مردم در خیابانها رفتن آمد میکردند اما معارفه‌ها بطور کلی در تمام نقاط صحن ضحان بسته ماند. مزدوران میهن شدند مردم را بزور وادار به عزارداری کنند. انبیم برای جاشها که رژیم جمهوری اسلامی از شد جمهور خوب و معتور بر می‌زنند در حالیکه این مزدوران محوس آکا هستند که ماهیت این جنابشکاران تاریخ بغوس برای خلق محنت شده کرد روس شده است و خلق کرد با ایشان به آدانه‌ی راجر تنها در سوگ از دست دادن پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت می‌کنند.

■ امروز ورود و خروج از شهر که پس از چندین روز قطع شده بود، آزاد شد.

■ شمری موشو خاککی از اینست که تعداد گهگاهی که در درگیری روز پنجشنبه شوکت کرده بودند ستر از ۱۵۰ نفر بوده است.

■ چهارشنبه ۱۱ شهریور: در ساعت ۴/۵ بعدازظهر در جاده‌ی سفید - دسواذره (در پنجاه کیلومتری سفید) سرسیده به گردنه، ایرانشاه) پاسان از پیشمرگان کومه به شد ریسر و ارتشی و یک جیب سیرج حامل پاسداران را به دام انداختند و بعد ارتشی درگیری ریسر ارتش که حامل ۱۵ نفر ارتشی بود طبع سلام شد و سیرج حامل پاسدارها رموشاه از محل درگیری فرستادند. سیرج را بر قرار بر حیح داد. ریسر ارتشی بوسیله پیشمرگان منفجر و ۱۵ نفر ارتشی دستگیر شده‌سر توسط آنها برده شدند. ساعتی بعد چندین تاک و ریسر ارتشی به محل درگیری رفته و چندین حرم از کندیهای مردم رجمنکش مردم دهات اطراف را به آتش کشیدند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی